

ساخت‌شناسی نظام معنایی مطالبات زنانه در گفتمان گروه‌های اپوزیسیون جمهوری اسلامی با تمرکز بر شبکه اجتماعی توئیتر

آرش بیدالله خانی^۱، محبوبه فرخاری^۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۱۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۰۴

DOI: 10.30495/JISDS.2023.72157.11866

چکیده

شبکه‌های اجتماعی از جمله عرصه‌های اصلی برساخت مخالفت زنانه با فراروایت‌های کلان نظام جمهوری اسلامی در حوزه زنان است. رسانه‌های اجتماعی خصوصاً شبکه اجتماعی توئیتر به دلیل اهمیت سیاسی آن یکی از بسترهای مهم برای گسترش نظام معنایی و فعالیت جریان‌های اپوزیسیون تلقی می‌شود. در این راستا پژوهش حاضر با هدف شناسایی زمینه‌ی گفتمانی جریان‌های اپوزیسیون داخلی و خارجی و دال‌های محوری به کار رفته از سمت آنان در مورد مسأله‌ی زنان به دنبال شناسایی این امر است که این جریان‌ها در یک بازه‌ی دو ماهه در تابستان و پاییز ۱۴۰۱ در بستر توئیتر چقدر به مطالبات زنانه توجه نشان داده‌اند و از منظر چه گفتمانی این مسائل را تحلیل کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که جریان اپوزیسیون داخلی بیشتر بر مبنای خرده گفتمان اصلاح طلبی و جریان اپوزیسیون خارجی بیشتر بر مبنای خرده گفتمان فمینیستی مسائل زنان را تحلیل کرده‌اند و این امر بیانگر این است که توئیترها با محوریت زنان از سمت جریان اپوزیسیون داخلی تا قبل از ۲۵ شهریور دارای فراوانی کمتری به نسبت جریان اپوزیسیون خارجی می‌باشد و پیگیری مطالبات زنان از جانب اپوزیسیون داخلی دارای محوریت نیست. اما در بعد از این تاریخ با توجه به حوادث رخ داده در جمهوری اسلامی بعد از مرگ مهسا امینی، علاوه بر افزایش فراوانی توئیترهای جریان اپوزیسیون داخلی حوزه‌ی گفتمانی این دو جریان نیز به هم نزدیک شده است.

واژگان کلیدی: اپوزیسیون، زنان، اعتراضات ۱۴۰۱، توئیتر، گفتمان

^۱ استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)
(Email: Beidollahkhani@um.ac.ir)

^۲ کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
(Email: mahboobefarkhari@gmail.com)

مقدمه

زنان به عنوان یکی از حوزه‌های اصلی تحولات در هر جامعه‌ی در حال گذار تلفی می‌شوند. در تاریخ ایران نیز زنان همواره به عنوان یکی از حوزه‌های چالش برانگیز و مهم مطرح بوده‌اند تا جایی که تحقق دموکراسی در ایران را می‌توان در گرو توزیع گسترده قدرت و برابری جنسیتی تعریف کرد. (Povey, 2001: 65)

در همین راستا برای بهبود بخشیدن به وضعیت زنان در ایران همواره مطالباتی گوناگون از جانب جریان‌های مختلف مطرح شده است و توده زنان که اغلب در حاشیه مناسبات اجتماعی و سیاسی نگهداشته شده و نقش آنها در عرصه‌های اقتصادی نادیده گرفته شده است، با افزایش میزان سواد و گسترش آموزش عالی به توانمندی‌های خود واقف شده و طالب سهم بیشتری از مدیریت خانواده و جامعه می‌باشند و انتظار پایگاه و موقعیت‌های بالاتری را دارند. (شادی طلب، ۱۳۸۰، ۳۲)

در این میان بازشناسی عوامل شکل دهنده‌ی مطالبات اجتماعی مرتبط با زنان، گفتمان‌های موجود در سیاست و حکومت موثر بر این فرایند و جریان شناسی مدافعین حقوق زنان از جمله موارد در خور تأمل است. چرا که در راستای تحقق مطالبات زنان بسیاری از افراد اپوزیسیون در قالب گفتمان رقیب، گرد هم آمده‌اند و سعی کرده‌اند ساختار جنسیتی و قوانین جنسیتی که توسط دولت و نهادهای دیگر دیکته شده است را به چالش بکشند، چالشی که همواره مورد توجه گفتمان‌های متخاصم و جریان‌های هویت ساز این گفتمان‌ها بوده است و در نبود سازمان‌های فمینیستی منسجم و محدودیت نهادی گفتمان‌های رقیب، این امر عمدتاً از طریق رسانه‌ها به وقوع می‌پیوندد.

نمود واقعی این چالش را می‌توان در اعتراضات اخیر شکل گرفته در جمهوری اسلامی مشاهده کرد اعتراضاتی که از جهت فرم و محتوا به عنوان اعتراضات زنانه خود را معرفی می‌کنند و در شبکه‌های اجتماعی با روند بی سابقه‌ای از هشنگ سازی خود را به جهانیان معرفی میکنند. بدین ترتیب رسانه‌های اجتماعی به عنوان یکی از مهمترین بسترهای طرح و بازشناسی مطالبات زنانه، در هماهنگی اعتراضات و صدا دادن به اپوزیسیون، نقش آشکار یافته‌اند. (Zhuravskaya, 2020: 416) در این بین شبکه اجتماعی توئیتر به واسطه سرعت انتقال دیدگاه‌ها و نظرات برای انبوه مخاطبان و تبدیل آن به تریبونی برای اعلام دیدگاه‌های مسئولان و کنشگران اجتماعی - سیاسی به رسانه‌ای مرجع تبدیل شده است. (بابایی و احمدی راد، ۱۳۹۸، ۱۱۱)

در چنین فضای شبکه‌ای شده‌ای (Rainie & Wellman, 2012) بازشناسی مطالبات و ایده‌های زنانه مطرح شده از جانب جریان‌های اپوزیسیون می‌تواند زمینه ساز این آگاهی باشد که چگونه گفتمان‌های رقیب و جریان‌های این گفتمان‌ها در قالب مخالفین از پتانسیل موجود در مطالبات زنان برای شکل‌گیری اعتراضات و جنبش‌های زنانه بهره برده و بدین طریق لایه‌های اپوزیسیون را قوی‌تر می‌کنند.

در این راستا پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال است که مطالبات گفتمان اصلی جریان‌های اپوزیسیون جمهوری اسلامی در فضای رسانه‌ای شده سیاست ایران در شبکه اجتماعی توئیتر، در یک بازه‌ی زمانی دو ماهه (۲۵ مرداد ماه تا ۲۵ مهرماه) بر چه میزان و از بستر چه گفتمانی بر مطالبات زنانه یا حقوق شهروندی زنان ساخت بندی شده است. مفروض اصلی بر این مبناست که جریان اپوزیسیون داخلی بر مبنای گفتمان اصلاح طلبی و جریان اپوزیسیون خارجی بر مبنای گفتمان فمینیستی مطالبات زنان را پیگیری می‌کنند. پاسخ به سوال و فرضیه‌ی مذکور می‌تواند با بررسی حوزه‌ی گفتمان گونگی جامعه تصویری دقیق‌تر از تلاش‌های گفتمان رقیب برای گسترش حوزه‌ی معنایی خود به ویژه در حوزه‌ی زنان فراهم آورد. این تصویر بیش از همه می‌تواند به برای بازسازی نظری گفتمان هژمون و نیروهای اجتماعی گسترش دهنده‌ی آن کارآمد باشد.

پیشینه پژوهش

ادبیات تجربی

بازشناسی جنبش‌های زنانه و ایده‌های محوری مطرح شده برای زنان امروزه یکی از مفاهیم پر کاربرد حوزه‌ی علوم سیاسی است. سؤال اساسی در جستجوی پیشینه موضوع در ادبیات پژوهش این است که چه تحقیقاتی در حوزه‌ی بازشناسی جنبش‌های زنانه از نظر عوامل موثر بر شکل‌گیری جنبش‌های زنانه به طور عام و بازشناسی این جنبش‌ها در رسانه‌های اجتماعی و توئیتر و به طور خاص، انجام شده است؟ در مجموع مفاهیم مربوط به بازشناسی ایده‌های زنان از طریق جریان‌های اپوزیسیون مد نظر بوده است.

عوامل اثر گذار بر مطالبات زنان

در بازشناسی عوامل موثر بر فرایند جنبش زنان، زاهد و خواجه نوری (۱۳۸۴) در کتاب خود سنت و مدرنیته و اندیشه دینی را از جمله عناصر مورد توجه برای بازیابی مطالبات زنان می‌دانند. گرامی (۱۹۹۸) تحولات مربوط به توسعه تولیدات کارخانه‌ای در دوره پهلوی دوم، و تاثیر ایدئولوژی مذهبی در دوره بعد از انقلاب را از عوامل تاثیر گذار بر فعالیت زنان می‌داند و پپین (۲۰۰۶) معتقد است در نتیجه‌ی دو اتفاق غیر همسو (اصلاحات نوگرایانه رضا شاه و انقلاب ۱۹۷۹) مطالبات زنان از سمتی تحت تاثیر تفسیر حکومتی و قواعد مذهبی شکل می‌گیرد و از سمت دیگر به جهت تکنولوژی‌های ارتباطی در بستر تاثیر از تحولات جهانی قرار گرفته است که این اتفاق منجر به جنبش‌ها با محتوای پارادوکسیکالی شده است. جنبش‌هایی که افاری (۲۰۰۹) آن‌ها را به عنوان گفتمان «فمینیسم اسلامی» معرفی می‌کند. بدین ترتیب اتفاق نظری همگانی برای تاثیر گذاری مذهب و مدرنیته به عنوان دو جریان متمایز بر جنبش‌ها و مطالبات زنان در ایران مشاهده می‌شود.

رسانه‌ها و جنبش‌های زنان

در راستای اهمیت رسانه‌های اجتماعی برای قوت بخشیدن به کنشگری آنلاین زنان ایرانی، باتمانقلیچی (۲۰۲۱) معتقد است، این امر راهگشای مسیر متفاوتی برای مردان و زنان ایرانی می‌باشد و تحولات ویژه‌ای را در این مسیر ایجاد کرده است که منجر به ظهور شکل خاصی از کنش‌گری شده است. به گونه‌ای که جوانان ایرانی به طور فزاینده‌ای از طریق پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی برای بیان خواسته‌های خود در مورد طیف وسیعی از مسائل اجتماعی سیاسی استفاده می‌کنند. از سوی دیگر بسیاری از رهبران حقوق زنان در ایران اکنون در سراسر جهان پراکنده شده‌اند، بدین ترتیب این رهبران از طریق وبسایت‌های فارسی و انگلیسی زبان و یا پلت‌فرم‌های رسانه‌های اجتماعی محبوب مانند فیس‌بوک، توئیتر، تلگرام، و اخیراً اینستاگرام و کلاب‌هاوس، در تلاش برای تجدید و توسعه کنش‌های اجتماعی، کمپین‌های تبلیغاتی و گفتمان‌های فمینیستی می‌باشند. در مقابل اما برخی پژوهش‌ها از جنبه‌ای مقابل به نقش رسانه‌های اجتماعی در پیگیری مطالبات و جنبش‌های زنان پرداخته‌اند. طالبیان (۱۳۹۶) در مقاله‌ای خود نشان می‌دهد که برخلاف برخی از هیجان‌های موجود که در بعضی از رسانه‌ها وانجمن‌های حقوق بشری غربی درباره‌ی شکل‌گیری یک جنبش اجتماعی جدید در میان زنان از طریق رسانه‌های اجتماعی وجود دارد، نمی‌توان آن را یکی از مصداق‌های جدید جنبش اجتماعی زنان در ایران محسوب کرد. بنابراین در بیان نقش رسانه‌های اجتماعی در بهبود موقعیت زنان ایرانی نظرات دو گانه وجود دارد. براساس آنچه به عنوان پژوهش‌های مشابه در این بخش بررسی شد، می‌توان گفت پژوهش حاضر هم به لحاظ موضوع و هم به لحاظ روش تمایزات مشخصی با تحقیقات ذکر شده دارد. اگر پژوهش‌های از منظری کیفی به عوامل موثر بر جنبش‌های زنان و اهمیت رسانه‌ها در پیگیری مطالبات حقوق زنان و جنبش‌های زنانه پرداخته‌اند این پژوهش با بهره‌گیری از داده‌های رسانه‌ای و با تمرکز بر شبکه‌ی اجتماعی توئیتر به شکلی روشمند در پی اثبات این مدعا است.

ادبیات نظری

در سال ۱۹۵۲ زبان شناس ساختارگرای آمریکایی، زلیگ هریس، مطالعه خود را در مورد واحدهای بزرگ‌تر از "جملات" بر روی

زبان شناسی متمرکز کرد و آن را تحلیل گفتمان نامید. (Harris, 1952) تفاوت اصلی میان شیوه‌های تحلیل در نظریه گفتمان و نظریات زبان شناسی آن است که در تحلیل گفتمان برخلاف تحلیل‌های سنتی زبان شناسانه، صرفاً به عناصر نحوی و لغوی تشکیل دهنده جمله به عنوان مبنای تشریح معنا توجه نمی‌شود، بلکه فراتر از آن، عوامل برون متنی یعنی بافت موقعیتی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... در کانون توجه و عنایت قرار می‌گیرد. (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸)

تحلیل گفتمان در مسیر تاریخی خود شامل چند نوع می‌باشد. تحلیل گفتمان ساختارگرا که در آن گفتمان به مثابه‌ی زبان بزرگتر از جمله تعریف می‌شود. تحلیل گفتمان نقش‌گرا که در آن گفتمان به مثابه زبان به هنگام کاربرد تعریف می‌شود و تحلیل گفتمان انتقادی که با ورود قدرت و ایدئولوژی به جریان غالب تحلیل گفتمان به وجود آمد. (سلطانی، ۱۳۸۳، ۱۵۳-۱۵۵) نوع دیگری از رویکرد به گفتمان در حوزه فلسفه سیاسی توسط میشل فوکو در دهه ۶۰ پایه گذاری شد که بسیار متفاوت از رویکردهای رایج گفتمان در زبان شناسی است. از نظر فوکو، گفتمان شامل تعداد محدودی از گزاره‌ها است که ظهور آن‌ها مشروط به شرایط خاصی است؛ (Foucault, 1972: 117) بدین ترتیب، گفتمان در این معنا ابدی و آرمانی نیست، بلکه تاریخی و زمانمند است. (ضمیران، ۱۳۷۸: ۶۸) بر اساس این نگرش، میشل فوکو گفتمان را در معنای جدید، دربرگیرنده نشانه‌های زبان شناسانه و غیر زبان شناسانه می‌داند که افزون بر زبان، همه حوزه اجتماعی انسان را نیز در بر می‌گیرد. (نش، ۱۳۸۵: ۳۹) و شامل تعداد محدودی از گزاره‌ها است که ظهور آن‌ها مشروط به شرایط خاصی است؛ بدین ترتیب، گفتمان در این معنا ابدی و آرمانی نیست، بلکه تاریخی و زمانمند است. نظریه گفتمان ارنستو لاکلا و شنتال موفه، که در کتاب هژمونی و راهبرد سوسیالیستی، به سوی سیاست رادیکال دموکراسی شکل گرفت در واقع بسط نظریه گفتمان فوکو در حوزه فلسفه سیاسی - اجتماعی است. (laclau & Mouffe, 1985)

از نظر لاکلا و موفه هر عمل یا پدیده‌ای برای معنادار شدن باید گفتمانی شود و در چارچوب گفتمان خاصی قرار گیرد. (تاجیک، ۱۳۷۹: ۱۶) به عبارتی هر معنایی را تنها با توجه به عمل کلی‌ای که در حال وقوع است و هر عملی را با توجه به گفتمان خاصی که آن عمل در آن قرار دارد، باید شناخت. (هوارث، ۱۳۷۷، ۱۶۲) از این منظر گفتمان جهان اجتماعی را در قالب معنا می‌سازد و هیچ واقعیت پیشینی و از قبل تعیین شده‌ای وجود ندارد بنابراین جهان محصول گفتمان‌ها است و نزاع گفتمانی به ایجاد، تغییر و بازتولید واقعیت اجتماعی منجر می‌شود. (حسینی زاده، ۱۳۸۳، ۱۸۲)

بنابراین نقطه‌ی آغازین نظریه تحلیل گفتمان برای تحلیل سیاسی تحولات اجتماعی، شناسایی حداقل دو گفتمان متنازع است و فهم نظریه گفتمان بدون مفهوم ضدیت و غیریت ناممکن است. (میلز، ۱۳۸۲: ۱۹)

بدین ترتیب، نزاع و تقابل بر کل جامعه سایه انداخته و نیروی پیش راننده آن است. هر گفتمان با برجسته کردن نقاط قوت خود و نقاط ضعف رقیب و با به حاشیه راندن نقاط ضعف خود و نقاط قوت رقیب، سعی در کشیدن هاله‌ای از قدرت دست نیافتنی به اطراف خود است. (مقدمی، ۱۳۹۰، ۱۰۴)

یکی از سازوکارهای این تثبیت و حاشیه رانی معناها کمک گرفتن از نهادهای وابسته به یک گفتمان است نهادهایی مانند رادیو، تلویزیون و مطبوعات. علاوه بر هویت گفتمان‌ها و نهادها مسئله‌ی مهم دیگر کردارهای اجتماعی هستند که می‌توان آنها را از جهت به کارگیری زبان یا عدم آن به دو دسته کردارهای گفتمانی زبانی و کردارهای گفتمانی غیرزبانی تقسیم کرد. (سلطانی، همان، ۱۷۰)

سنت و مدرنیته به مثابه‌ی دو گفتمان متخاصم

در تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی ایران سنت و مدرنیته به عنوان دو گفتمان اصلی و مهم و جریان ساز تلقی می‌شوند. مفهوم سنت در مقابل مدرن به کار برده می‌شود و منظور از آن برخی باورهای فرهنگی است که در دوران مدرن خودنمایی می‌کند؛ این باورها

ممکن است دربردارنده دامنه وسیعی از خلیات، ذهنیات، باورها و به طور کلی، حفظ نمادها و سنبل‌ها و خاطره‌های تاریخی باشد. (خرمی، ۱۳۷۷، ۱۷) اگر بخواهیم با واقعیت‌های جامعه ایرانی سخن بگوییم، سنت عبارت است از تمام آن ارزش‌ها، نهادها، ساختارها و افق اندیشه و زیستی که ایرانی تا حدود قرن نوزدهم میلادی در آن به سر می‌برده است. (آقاجری، ۱۳۸۰، ۴۱)

به طور متقابل، مفهوم مدرن، به منزله برابر نهاد سنت، از سده نوزده میلادی به بعد و در پی رویداد رنسانس به عنوان فصل ممیزی برای سده‌های میانه و دیگر سده‌های تاریخی استفاده شده است. تجدد به معنای باور به ضرورت و کارکرد همه جانبه اندیشه انتقادی در ویران سازی رادیکال آن چیزی است که در گوهر خود به سنت‌های کهنه وابسته است. (کسرای، ۱۳۷۹: ۱۷-۱۳) در این چارچوب معنایی، مدرنیته به عصری گفته می‌شود که انسان در آن به عنوان فاعل شناسایی و اقتدار، به گونه‌ای خودبنیاد همه عالم و آدم را تبدیل به اُبژه معرفتی و اقتدار خود می‌کند. در این دوران، بشر مبنای همه چیز می‌شود و طبیعت، جهان اخلاقی، روابط قدرت، علم و تکنولوژی خاستگاه بشری پیدا می‌کنند و همه چیز در خدمت بشر قرار می‌گیرد. (آقاجری، همان، ۴۲) ورود جریان مدرنیته در ایران و رویکرد به غرب، به طور جسته و گریخته، از دوران صفویه آغاز گردیده بود، ولی غرب‌گرایی و بعدها غرب زدگی، در زمان فتحعلی شاه صورت پذیرفت، (قنبری، ۱۳۷۹، ۲۳) که با تحولات بنیادین گسترده علمی، صنعتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در غرب همزمان شده بود. این جریان منجر به ورود موج اول مدرنیته به ایران گشت و متاثر از این ورود، اندیشه‌های اومانیستی، مباحث مربوط به تجدید نظر در سنت‌های ملی و مذهبی، در آثار برخی از متفکران ایرانی مطرح شد. گفتمان مدرنیسم در فرایند تاریخی خود همچنین تبدیل به یکی از گفتمان‌های برجسته‌ی عصر پهلوی گشت و تبدیل به بخشی از نظم گفتمان شباهت با غرب شد. (ادیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۵-۳۴) اما با وقوع انقلاب اسلامی حوزه‌ی گفتمانی جامعه دچار دگرگونی شد و جریان انقلابی با الهام از سنت و اسلام‌گرایی در تلاش بود که تاروپود برنامه و طرح‌هایی خود از سلطه رژیم حاکم و هژمونی غرب را در بازگشت به اسلام جستجو کند. (تاجیک، ۱۳۸۳: ۴۱ - ۳۹) بدین ترتیب می‌توان چهار دوره‌ی متمایز را در جهت رقابت این دو نوع گفتمان تشخیص داد. ۱. دوران شیفتگی به مدرنیته (از مشروطه تا کودتای ۲۸ مرداد)؛ ۲. دوران سرخوردگی از مدرنیته (تا انقلاب اسلامی)؛ ۳. دوران شیفتگی به سنت (مدت کوتاهی پس از انقلاب)؛ ۴. دوران خشم بر سنت و رویکرد عاشقانه بر تجدد (وضعیت فعلی). (برقی، ۱۳۸۳، ۲۹)

گرچه شاید این تقسیم بندی من باب تقریب به ذهن باشد و نمی‌توان میان آنچه که متعلق به سنت است با مدرنیته خط فاصل قاطع و مشخصی کشید. (آقاجری، همان، ۴۴) با این حال روشن است که ورود نامتوازن تجدد به کشورهای اسلامی همچون ایران، تعارضات گوناگون در لایه‌های حیات فردی و اجتماعی و در حوزه‌های گوناگون از جمله زنان را به همراه داشته است. (کچوئیان، ۱۳۸۷: ۶۵) بدین ترتیب، همواره بر ضرورت طرح و بررسی مسائل اجتماعی در چارچوب مفهومی نظریه گفتمان تأکید می‌شود.

مسئله‌ی زن در کشاکش گفتمان‌های متعارض سنت و مدرنیته

با تمرکز بر دوران بعد از انقلاب اسلامی تحولات و تنازعات گفتمانی در چارچوب مسئله‌ی زنان را می‌توان اینگونه تبیین کرد که بعد از انقلاب اسلامی با غالب شدن گفتمان سنت‌گرایی گفتمان مدرنیته و خرده گفتمان‌های منتج از آن به نوعی در حاشیه قرار گرفتند و تبدیل به گفتمان رقیب شدند. بدین ترتیب تمام آنچه در مورد زنان هویت پیدا می‌کرد تنها از طریق گفتمان سنت‌گرا قابل تبیین بود اما از آنجایی که گفتمان‌ها همواره به واسطه سازوکارهای معنایی بر سر تصاحب افکار عمومی با هم در حال رقابتند هژمون شدن گفتمان سنت در معنای از بین رفتن گفتمان مدرنیته تلقی نمی‌شود و این دو نوع گفتمان همواره در حال نزاع هستند.

در این جا غیریت سازی اجتماعی نقش اصلی را ایفا می‌کند بدین شکل که هر گفتمانی به منظور یافتن هویت جمعی و دستیابی به سلطه‌ی معنایی به ناچار شروع به تولید دشمن برای خود می‌کند. البته گاه گفتمان‌ها بیش از یک غیر دارند و از مجموعه‌ای از غیریت‌ها برای هویت یابی در شرایط مختلف استفاده می‌کنند، برای مثال در مورد مسئله‌ی زنان با توجه به هژمون بودن گفتمان

سنت و خرده گفتمان‌های منتج از آن غیریت‌ها را می‌توان ناشی از گفتمان مدرنیته و به دو نوع غیر خارجی و غیر داخلی تقسیم کرد. هر کدام از این غیریت‌ها بنا به ویژگی‌های خود می‌توانند در چارچوب مفهومی گفتمان خود ضمن هویت یابی گفتمان متقابل، گفتمان خود را نیز هویت یابی کنند.

خرده گفتمان‌های مدرنیته

مقصود از گفتمان مدرنیته گفتمان‌های مستقل از دین است که بر پایه انسان گرایی، به منزله مولود رنسانس و مبتنی بر مبانی فکری جریان‌های مدرنیسم بنا نهاده شده است. گفتمانی که از مکاتب فکری دوران مدرن می‌باشد و جامعه زنان را از لحاظ نگرش و رفتار از خود متأثر ساخته است. در یک تقسیم بندی اعتباری می‌توان گفتمان مدرنیته را شامل دو خرده گفتمان فمینیستی و اصلاح طلبی دانست. گفتمان فمینیستی با تأکید بر قرار داشتن زنان تحت ظلم و تبعیض ناشی از جنسیت به مفهوم پردازی تفاوت جنسی، نابرابری جنسی و ستمگری جنسی می‌پردازد. دال‌های محوری این دو خرده گفتمان را میتوان به شکل ذیل نمایش داد. (فاتحی و اخلاصی، ۱۳۹۱، ۱۰۵) گفتمان اصلاح طلبی نیز با دال اصلی برجسته سازی تجدد و حاشیه رانی سنت به دنبال برجسته سازی شایسته سالاری، تواناسازی زنان، ساختار شکنی و حاشیه رانی قرائت‌های پدرسالارانه و اقتدارگرایانه از دین و حکومت است. (کسرایبی و طهماسبی، ۱۳۹۳، ۱۷۶-۱۷۱)

جدول شماره (۱): مفصل بندی خرده گفتمان فمینیستی و اصلاح طلبی

دال‌های محوری گفتمان فمینیستی	دال‌های محوری خرده گفتمان اصلاح طلبی
دستیابی به اهداف برابری طلبانه	عرضی و تاریخی بودن احکام و مقررات زنان
از بین بردن ساختار نظام پدر سالاری	توجه گزاره‌های زنان به شیوه‌ی اسلامی
از بین رفتن تقسیم کار جنسی	پذیرش تفاوت‌های زنان و مردان
اصلاح نظام اقتصادی، فرهنگی جامعه	نفی تقابل و تضاد بین زن و مرد
استیفای حقوق سیاسی و قانونی زنان	تحکیم و تقویت خانواده

بدین ترتیب با توجه به مبانی نظری و تجربی ذکر شده می‌توان چارچوب مفهومی ذیل را استخراج نمود.



شکل شماره (۱): مدل مفهومی پژوهش

روش شناسی پژوهش

رویکرد روش‌شناختی این پژوهش حاصل ترکیب چند روش است، تحلیل شبکه‌های اجتماعی که به عنوان روشی برای اندازه‌گیری روابط و همکاری‌ها در بین افراد گروه‌ها سازمان‌ها و هر موجودیتی که قابلیت پردازش اطلاعات را داشته باشد. (Faust & Fitzhugh, 2012) و تحلیل محتوای کمی و کیفی برای شناسایی دال‌های محوری که در نمونه پژوهش استفاده شده است. با توجه به محدودیت‌های دسترسی به اطلاعات در بستر شبکه‌های اجتماعی، گام نخست و البته تعیین‌کننده این تحقیق، به مسئله دستیابی روشمند به اطلاعات قابل اطمینان کاربران فارسی زبان شبکه‌های اجتماعی اختصاص دارد. به همین منظور اولین گام در ورود به فاز جمع‌آوری و تشکیل هدفمند شبکه، آغاز جمع‌آوری داده‌ها از طریق نقطه آغازی است که به صورت دقیق، ما را نسبت به اپوزیسیون بودن کاربران مطمئن کند و معرف شبکه کاربران جریان اپوزیسیون: توییتر باشد برای این کار در طی یک مسیر هفت مرحله‌ای داده‌های لازم به دست آمد.

جدول شماره (۲): روش دستیابی به نمونه پژوهش

مراحل	اقدامات
مرحله اول	اتصال به API: توییتر و بهره‌گیری از زبان برنامه‌نویسی Java و جمع‌آوری تمام توییت‌های مربوط به بازه‌ی زمانی مورد نظر
مرحله دوم	تحلیل متن‌های حاوی کلمه‌ی اپوزیسیون یا هم‌مفهوم این کلمه از طریق نرم‌افزار Wordaizer
مرحله سوم	شناسایی توییت‌هایی حاوی این مجموعه کلمات شامل ۱۲۴۸۵۳۴ توییت
مرحله چهارم	استخراج شبکه‌ی توییت این توییت‌ها با کمک نرم‌افزار تبلو ^۱ شامل ۸۷۵۲۶۹ توییت و ۲۴۹۵۷ گره ^۲ و ۴۵۸۱۳۶ یال ^۳ بود
مرحله پنجم	شناسایی کاربران با اجرای تحلیل خوشه توسط نرم‌افزار گفی ^۴
مرحله ششم	تعریف شاخصی حداقلی برای پایش اعضای شبکه
مرحله هفتم	شناسایی ۳۰ کاربر موثر در هر خوشه

بعد از طی مسیر مورد نظر سعی شد محتوای تمام توییت‌های این ۳۰ کاربر در هر خوشه که شامل ۲۷۶۱۲ توییت بود بررسی شود از بین ۳۰۰۶ توییت مرتبط با زنان شناسایی شد که سعی شد این مقدار توییت تحلیل محتوای کمی و کیفی شود. تحلیل محتوا، تحلیل سیستماتیک، عینی و کمی ویژگی‌های پیام است که، ویژگی‌های ظاهری یک پیام (متن، مکالمه و...) را به شکل عینی (مستقل از برداشت شخصی محقق) و نظام‌مند (بر طبق قواعد معین و کمی براساس شاخه‌های آماری) توصیف می‌کنند. (Berleson, 1952) تحلیل محتوا بیانگر رویکردهای تحلیل گوناگون است، و از رویکردهای برداشت‌گرایانه حدسی و تفسیری تا رویکردهای نظام‌مند و دقیق را دربرمی‌گیرد. (Rosengren, 1981)

در یک طبقه بندی کلی، معمولاً روش‌های متفاوت تحلیل محتوا به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند. تحلیل محتوای کمی و کیفی. روش تحلیل محتوای کمی همان‌گونه که برلسون بیان کرده است، فن پژوهشی برای توصیف عینی، نظام‌مند و کمی محتوای مطلب است. کرلینجر نیز آن را شیوه نظام‌مند، عینی و کمی برای اندازه‌گیری متغیرها (شاخص تحقیقات کمی) و تجزیه و تحلیل آنها معرفی کرده است. بر این اساس، تحلیل محتوای کمی باید از چهار ویژگی عینی بودن، منظم بودن، آشکار بودن و کمی بودن برخوردار باشد. (هرندی و دیگران ۱۳۸۷) تحلیل محتوای کیفی اما در جایی که تحلیل کمی به محدودیت‌هایی می‌رسد، نمود می‌یابد تحلیل محتوای کیفی به محققان اجازه می‌دهد اصالت و حقیقت داده‌ها را به گونه ذهنی، ولی با روش علمی تفسیر کنند. عینیت نتایج به وسیله وجود یک فرایند کدبندی نظام‌مند تضمین می‌شود. تحلیل محتوای کیفی به فراسویی از کلمات یا محتوای

¹ Tableau

² NODE

³ LINK

⁴ Gephi

عینی متون می‌رود و تم‌ها یا الگوهایی را که آشکار یا پنهان هستند به صورت محتوای آشکار می‌آزماید. (Yanzhang, 2006) ما در این پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی و کمی بهره برده‌ایم.

یافته‌های پژوهش

در اینجا ابتدا یافته‌های توصیفی به دست آمده از توثیتهای منتشر شده و در مرحله‌ی بعد یافته‌های تحلیلی ارائه می‌شود.

یافته‌های توصیفی

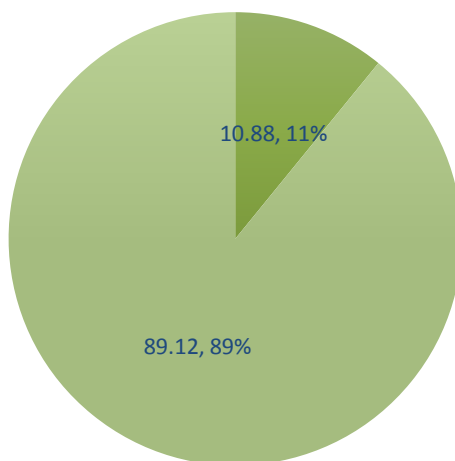
با نظر به تلاش برای ساختن روابط شبکه‌ای از جریان‌های مختلف، تحلیل خوشه ریتوئیت‌ها بیانگر دو خوشه است که می‌توان آنها را خوشه‌ی جریان اپوزیسیون غیر قانونی و خارجی و خوشه‌ی اپوزیسیون داخلی و قانونی خواند^۱.

جدول (۳): خوشه‌ها در شبکه‌ی ریتوئیت

نام خوشه	درصد از کل شبکه	تعداد گره	تعداد یال
اپوزیسیون غیر قانونی-خارجی	۵۳,۸۲	۱۳۴۳۴	۲۴۲۱۵۳
اپوزیسیون قانونی-داخلی	۴۴,۱۵	۱۱۰۲۱	۲۰۱۵۹۷
سایر	۲,۰۱	۵۰۲	۱۴۳۸۶

بدین ترتیب اطلاعات ۳۰ کاربر شناسایی شده در خوشه‌ی جریان اپوزیسیون خارجی و داخلی از ۲۵ مرداد ۱۴۰۱ تا ۲۵ مهرماه ۱۴۰۱ مورد تحلیل قرار گرفت.

در مرحله‌ی اول با تمام شماری توثیتهای موجود تعداد ۲۷۶۱۲ توثیت به دست آمد که سعی شد توثیتهای مرتبط با زنان از این مقدار جداسازی شود. در نهایت بعد از حذف توثیتهای نامرتبط ۳۰۰۶ توثیت مرتبط با زنان شناسایی شد.



■ تعداد توییت‌های کل ■ توییت‌های مرتبط با زنان

نمودار شماره (۱): توزیع فراوانی توثیتهای مرتبط با محتوای زنانه

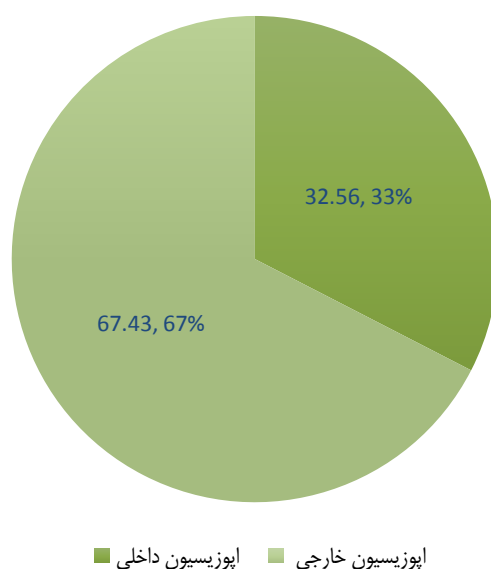
با توجه به نمودار بالا می‌توان گفت که به شکل تقریبی ۱۱ درصد از محتوای توثیتهای زده شده در بازه‌ی زمانی فوق ذکر در ۶۰ اکانت نمونه مرتبط با مسائل زنان بوده است که می‌توان به تفکیک گروه‌های مورد نظر این امر را به شکل ذیل نمایش داد.

^۱ نام گذاری خوشه‌ها بر اساس گرایش سیاسی حساب‌های کاربری خوشه‌ها می‌باشد.

جدول شماره (۴): توزیع فراوانی توئیتهای بر حسب هویت اکانت‌ها

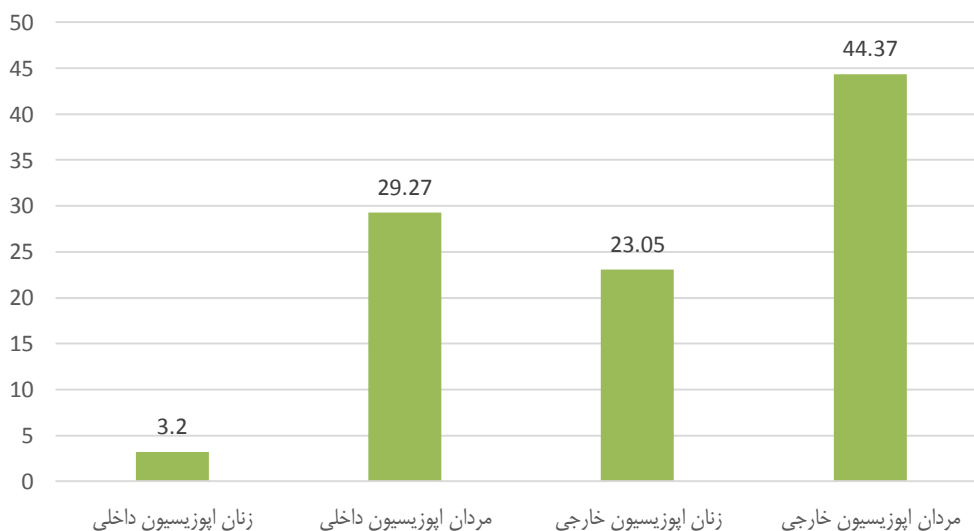
خوشه	هویت اکانت‌ها	تعداد اکانت‌ها در نمونه	توئیتهای کل	توئیتهای مربوط به زنان
اپوزیسیون داخلی	زنان	۳	۷۷۲	۹۹
	مردان	۲۷	۸۰۷۸	۸۰
اپوزیسیون خارجی	زنان	۷	۳۷۷۲	۶۹۳
	مردان	۲۳	۱۴۹۹۰	۱۳۳۴
جمع	---	۶۰	۲۷۶۱۲	۳۰۰۶

بدین ترتیب سهم اپوزیسیون داخلی از این ۳۰۰۶ تعداد توئیتهای زنانه ۹۷۹ و سهم اپوزیسیون خارجی ۲۰۲۷ توئیتهای زنانه می‌باشد که می‌توان آن را به شکل زیر نمایش داد.

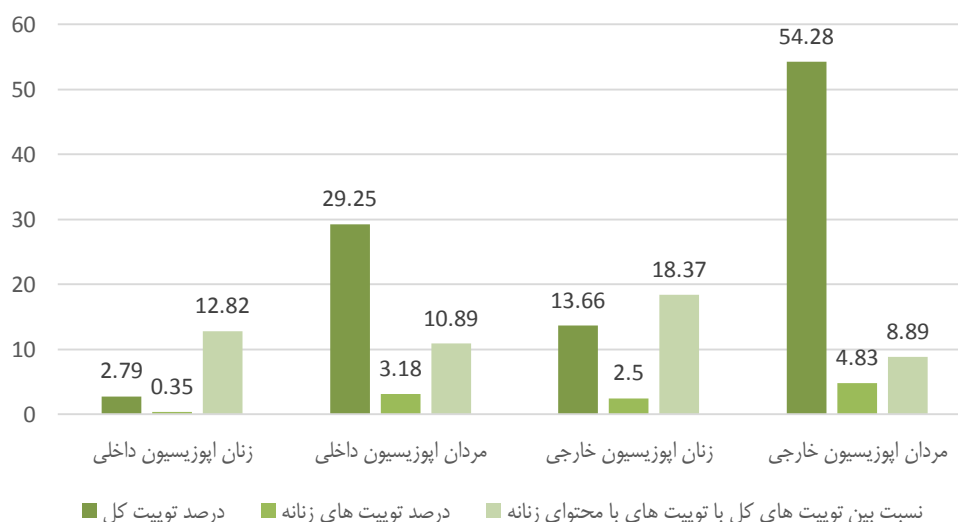


نمودار شماره (۲): توزیع فراوانی توئیتهای با محتوای زنانه بر حسب جریان اپوزیسیون

با توجه به شکل بالا سهم اپوزیسیون خارجی حدود ۶۷ درصد و سهم اپوزیسیون داخلی حدود ۳۳ درصد از توئیتهای زده شده با محتوای زنان در این بازه‌ی زمانی می‌باشد. در این بین اما مطابق جدول شماره ۲ می‌توان به تفکیک هر گروه مشخص کرد که کدام گروه سهم بیشتری در تولید محتوای زنانه دارد. در یک نگاه کلی به نظر می‌رسد مردان اپوزیسیون خارجی سهم بیشتری از تولید داده‌های زنانه دارند اما اگر به نسبت توئیتهای زده شده مقایسه کنیم متوجه می‌شویم که به این شکل نیست. بدین ترتیب می‌توان به تفکیک هر گروه مشخص کرد که کدام گروه به نسبت کل توئیتهای زده شده همان گروه سهم بیشتری در تولید محتوای زنانه دارد. در جدول ذیل نسبت توئیتهای زنانه به نسبت کل توئیتهای زده شده هر گروه را می‌توانیم مشاهده کنیم.



نمودار شماره (۳): توزیع فراوانی توئیت‌ها توزیع فراوانی توئیت‌ها با محتوای زنانه بر حسب هویت اکانت‌ها



نمودار شماره (۴): توزیع فراوانی نسبت بین توئیت‌های زنانه با توئیت‌های کل

بنابراین مشخص است که اگر به نسبت توئیت‌های زده شده هر گروه بخواهیم بررسی کنیم گروه زنان اپوزیسیون خارجی در این بین دارای سهم بیشتری می‌باشد. علاوه بر این با توجه به نابرابری در توزیع اکانت‌های مردان و زنان می‌توان متوسط سهم هر اکانت را در توئیت‌ها زده شده به شکل جدول زیر نمایش داد.

جدول شماره (۴): متوسط توزیع فراوانی توئیت‌ها بر حسب هویت اکانت‌ها

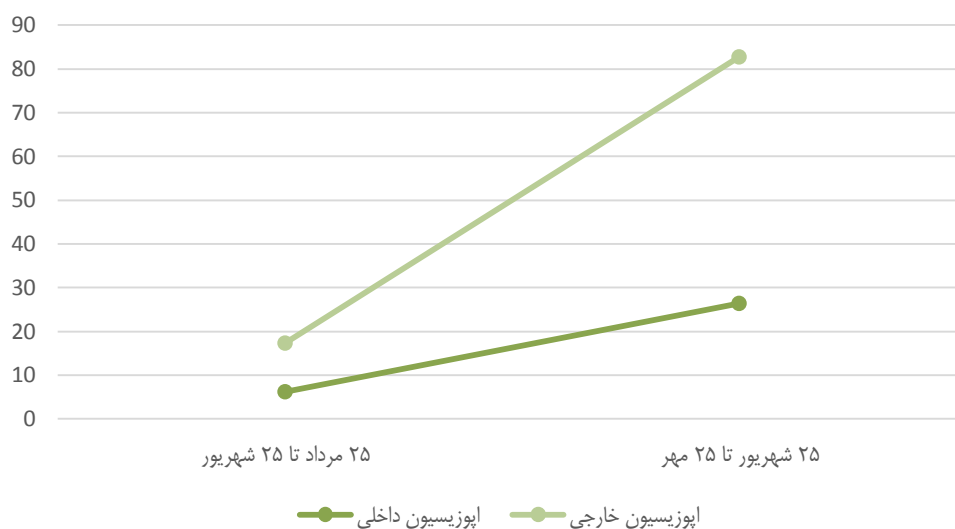
خوشه	هویت اکانت‌ها	تعداد اکانت‌ها	متوسط سهم هر اکانت در توئیت‌های زده شده قبل از ۲۵ شهریور	متوسط سهم هر اکانت در توئیت‌های زده شده بعد از ۲۵ شهریور
اپوزیسیون داخلی	زنان	۳	۵	۲۸
	مردان	۲۷	۶	۲۶
اپوزیسیون خارجی	زنان	۷	۲۳	۷۵
	مردان	۲۳	۷	۵۰

با توجه به جدول فوق مشاهده می‌شود که سهم گروه زنان در جریان اپوزیسیون خارجی با توجه به تعداد اکانت‌ها چه قبل از ۲۵ شهریور و چه بعد از آن بسیار پررنگ‌تر می‌باشد. اگر بر مبنای بازه‌ی زمانی بخواهیم بررسی کنیم جدول داده‌های حاصله به شکل زیر خواهد بود.

جدول شماره (۵): توزیع فراوانی توئیتهای بر حسب بازه‌ی زمانی

خوشه	هویت اکانت‌ها	توئیتهای کل	درصد فراوانی	توئیتهای مربوط به زنان	درصد فراوانی
اپوزیسیون داخلی	قبل	۳۷۸۰	۱۳,۶۸	۱۸۸	۶,۲۵
	بعد	۵۰۷۰	۱۸,۳۶	۷۹۱	۲۶,۳۱
اپوزیسیون خارجی	قبل	۴۶۹۱	۱۶,۹۸	۳۳۱	۱۱,۰۱
	بعد	۱۴۰۷۱	۵۰,۹۵	۱۶۹۸	۵۶,۴۸
		۲۷۶۱۲	۱۰۰	۳۰۰۶	۱۰۰

بدین ترتیب تمام این توئیتهای زنانه زده شده را می‌توان قبل و بعد از ۲۵ شهریور در یک بازه‌ی زمانی به شکل زیر نمایش داد.



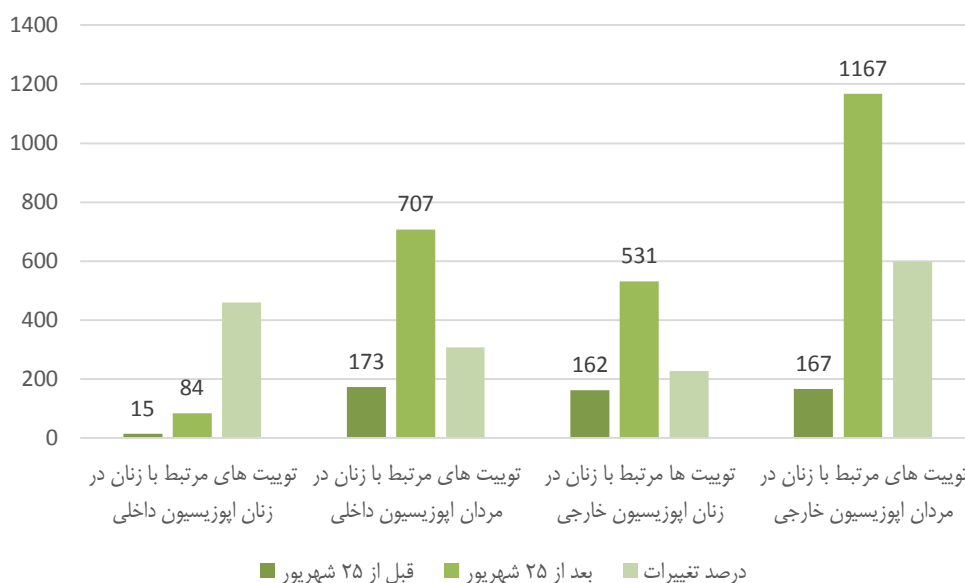
نمودار شماره (۵): توزیع فراوانی توئیتهای زنانه بر حسب بازه‌ی زمانی

با توجه به نمودار بالا مشخص است که سهم توئیتهای زنانه زده شده چه در جریان اپوزیسیون داخلی چه در جریان اپوزیسیون خارجی در بازه‌ی زمانی یک ماهه قبل از ۲۵ شهریور و بعد از ۲۵ شهریور تفاوت آشکاری وجود دارد. اگر بخواهیم به تفکیک چهار گروه و بازه‌ی زمانی چگونگی توزیع فراوانی توئیتهای را مشخص کنیم جدول و نمودار زیر می‌تواند تصویر دقیق‌تری را در این راستا ارائه کند.

جدول شماره (۶): توزیع فراوانی توئیتهای بر حسب بازه‌ی زمانی و هویت اکانت‌ها

خوشه	هویت اکانت	تعداد اکانت‌ها	قبل از ۲۵ شهریور		بعد از ۲۵ شهریور		درصد تغییرات
			توئیتهای کل	توئیتهای مربوط به زنان	توئیتهای کل	توئیتهای مربوط به زنان	
اپوزیسیون خارجی	اکانت مردان	۲۳	۳۷۵۶	۱۶۷	۱۱۲۳۴	۱۱۶۷	۵۹۸٪
	اکانت زنان	۷	۹۳۵	۱۶۲	۲۸۳۷	۵۳۱	۲۲۷٪
	جمع	۳۰	۳۷۸۰	۳۳۱	۱۴۰۷۱	۱۶۹۸	

خوشه	هویت اکانت	تعداد اکانت‌ها	قبل از ۲۵ شهریور		بعد از ۲۵ شهریور	
			کل توئیت‌ها	توئیت‌های مربوط به زنان	کل توئیت‌ها	توئیت‌های مربوط به زنان
اپوزیسیون داخلی	اکانت مردان	۲۷	۳۴۷۱	۱۷۳	۴۶۰۷	۷۰۷
	اکانت زنان	۳	۳۰۹	۱۵	۴۶۳	۸۴
	جمع	۳۰	۳۷۸۰	۱۸۸	۵۰۷۰	۷۹۱
						درصد تغییرات
						٪۳۰۸
						٪۴۶۰



نمودار شماره (۶): توزیع فراوانی توئیت‌های زنانه بر حسب بازه‌ی زمانی و هویت اکانت‌ها

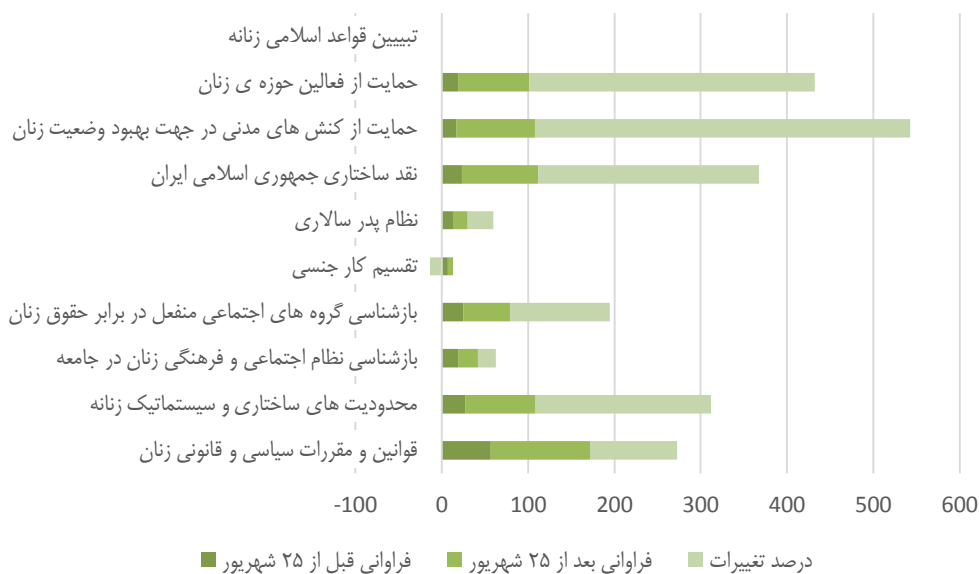
بنابراین با نظر به نمودار بالا بیشترین تغییر ایجاد شده در مقدار توئیت‌های زنانه زده شده در گروه مردان در اپوزیسیون خارجی هست و کمترین تغییر ایجاد شده در گروه زنان در اپوزیسیون خارجی هست. در مرحله‌ی بعد می‌توان دال‌های مذکور به کار رفته در جریان اپوزیسیون را به شکل زیر نمایش داد.

جدول شماره (۷) توزیع فراوانی دال‌های مرکزی در جریان اپوزیسیون خارجی

دال‌های محوری جریان اپوزیسیون خارجی	مدلول‌های اصلی	گروه زنان		گروه مردان	
		فراوانی قبل از ۲۵ شهریور	فراوانی بعد از ۲۵ شهریور	فراوانی قبل از ۲۵ شهریور	فراوانی بعد از ۲۵ شهریور
قوانین و مقررات سیاسی و قانونی زنان	استیفای حقوق سیاسی و قانونی زنان	۵۷	۱۱۵	۳۹	۲۴۷
	عرضی و تاریخی بودن احکام و مقررات و زنان	۰	۰	۰	۰
	حمایت از تلاش برای تحکیم خانواده	۰	۰	۰	۰
					درصد تغییرات
					٪۱۰۱

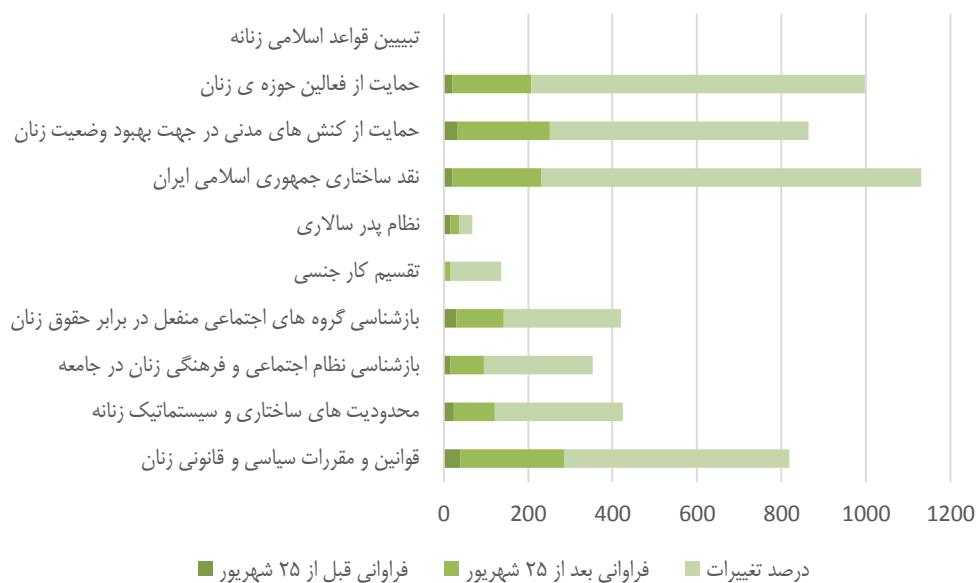
گروه مردان			گروه زنان			مدلول‌های اصلی	دال‌های محوری جریان اپوزیسیون خارجی
درصد تغییرات	فراوانی بعد از ۲۵ شهریور	فراوانی قبل از ۲۵ شهریور	درصد تغییرات	فراوانی بعد از ۲۵ شهریور	فراوانی قبل از ۲۵ شهریور		
۳۰.۴٪	۹۷	۲۴	۲۰.۳٪	۸۲	۲۷	دستیابی به اهداف برابر طلبانه	محدودیت‌های ساختاری و سیستماتیک زنانه
۰	۰	۰	۰	۰	۰	نفی تضاد و تقابل بین مرد و زن	
۳۵.۸٪	۷۸	۱۷	۲۱٪	۲۳	۱۹	اصلاح نظام اقتصادی و فرهنگی جامعه	بازشناسی نظام اجتماعی و فرهنگی زنان در جامعه
۰	۰	۰	۰	۰	۰	پذیرش تفاوت‌های مردان و زنان	
۲۷.۶٪	۱۱۳	۳۰	۱۱.۶٪	۵۴	۲۵	---	بازشناسی گروه‌های اجتماعی منفعل در برابر حقوق زنان
۱۲.۰٪	۱۱	۵	۱۴-٪	۶	۷	از بین رفتن تقسیم کار جنسی	تقسیم کار جنسی
۳۱٪	۲۱	۱۶	۳۰٪	۱۷	۱۳	از بین بردن ساختار نظام پدر سالاری	نظام پدر سالاری
۹۰.۰٪	۲۱۰	۲۱	۲۸.۶٪	۸۹	۲۳	---	نقد ساختاری جمهوری اسلامی ایران
۶۱.۲٪	۲۲۱	۳۱	۴۳.۵٪	۹۱	۱۷	---	حمایت از کنش‌های مدنی در جهت بهبود وضعیت زنان
۷۹.۰٪	۱۸۷	۲۱	۳۳.۱	۸۲	۱۹	---	حمایت از فعالین حوزه‌ی زنان
	۰	۰	۰	۰	۰	توجه گزاره‌های زنان به شیوه‌ی اسلامی	تبیین قواعد اسلامی زنانه
	۱۱۸۵	۲۰۴		۵۵۹	۲۰۷		جمع کل

بدین ترتیب مشخص است که در گروه زنان پر تکرار ترین دال قبل و بعد از بازه‌ی یک ماه ۲۵ شهریور محور قوانین و مقررات سیاسی و قانونی زنان می‌باشد در حالی که اگر بخواهیم با توجه به این دو بازه‌ی زمانی بررسی کنیم توئیتهای محوریت کنش‌های مدنی در جهت وقوع انقلاب زنانه دارای بیشترین رشد بوده است. در گروه مردان اپوزیسیون خارجی قبل و بعد از ۲۵ شهریور بیشترین فراوانی مربوط به توئیتهای محوریت قوانین و مقررات سیاسی و قانونی است در حالی که بیشترین درصد تغییرات و رشد مرتبط با توئیتهای محوریت نقد ساختاری جمهوری اسلامی بوده است. نمودارهای زیر به تفکیک اکانت‌های مرد و زن به خوبی تغییرات در دال‌های مذکور را در بازه‌ی زمانی مورد نظر به تفکیک اکانت‌های مرد و زن نمایش می‌دهند.



نمودار شماره (۷): توزیع فراوانی دال‌های محوری بر حسب بازه‌ی زمانی در جریان زنان اپوزیسیون خارجی

با توجه به نمودار بالای محور حمایت از کنش‌های مدنی در جهت بهبود وضعیت زنان و انقلاب زنانه دارای بیشترین نسبت تغییرات است در رتبه‌های بعدی نیز حمایت از فعالین حوزه‌ی زنان و نقد ساختاری جمهوری اسلامی قرار دارد.



نمودار شماره (۸): توزیع فراوانی دال‌های محوری بر حسب بازه‌ی زمانی در جریان مردان اپوزیسیون خارجی

با توجه به نمودار بالای محور نقد ساختاری جمهوری اسلامی دارای بیشترین نسبت تغییرات است در رتبه‌های بعدی نیز حمایت از فعالین حوزه‌ی زنان و حمایت از وقوع انقلاب زنانه قرار دارد. در بخش اپوزیسیون داخلی نیز میتوان دال‌های فوق‌الذکر به شکل زیر نمایش داد.

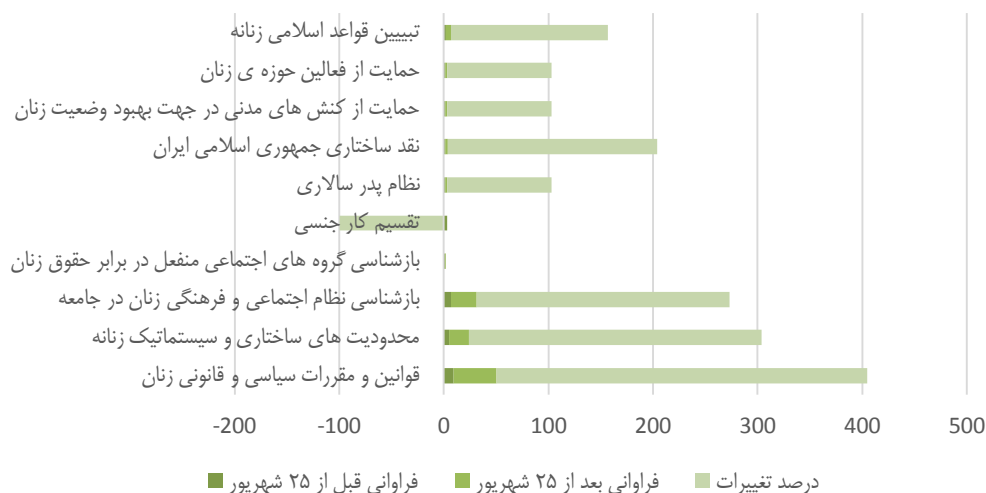
جدول شماره (۸): توزیع فراوانی دال‌های مرکزی در جریان اپوزیسیون داخلی

گروه مردان			گروه زنان			مدلول‌های اصلی	دال‌های محوری جریان اپوزیسیون داخلی
درصد تغییرات	فراوانی بعد از ۲۵ شهریور	فراوانی قبل از ۲۵ شهریور	درصد تغییرات	فراوانی بعد از ۲۵ شهریور	فراوانی قبل از ۲۵ شهریور		
۳۹۶٪	۱۲۹	۲۶	۳۵۵٪	۴۱	۹	عرضی و تاریخی بودن احکام و مقررات و زنان	قوانین و مقررات سیاسی و قانونی زنان
۰	۰	۰	۰	۰	۰	استیفای حقوق سیاسی و قانونی زنان	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	حمایت از تلاش برای تحکیم خانواده	
۰	۰	۰	۰	۰	۰		
۳۷۹٪	۲۰۶	۴۳	۲۸۰٪	۱۹	۵	نفی تضاد و تقابل بین مرد و زن	محدودیت‌های ساختاری و سیستماتیک زنانه
۰	۰	۰	۰	۰	۰	دستیابی به اهداف برابر طلبانه	
۲۱۹٪	۲۰۱	۶۳	۲۴۲٪	۲۴	۷	پذیرش تفاوت‌های مردان و زنان	بازشناسی نظام اجتماعی و فرهنگی زنان در جامعه
۰	۰	۰	۰	۰	۰	اصلاح نظام اقتصادی و فرهنگی جامعه	
۲۰۰٪	۱۲	۴	۰٪	۱	۱	---	بازشناسی گروه‌های اجتماعی منفعل در برابر حقوق زنان
۱۶-٪	۵	۶	۱۰۰-٪	۰	۳	---	تقسیم کار جنسی
۱۰۵٪	۳۵	۱۷	۱۰۰	۲	۱	---	نظام پدر سالاری
۴۵۰٪	۸۸	۱۶	۲۰۰٪	۳	۱	---	نقد ساختاری جمهوری اسلامی ایران
۳۰۰	۲۰	۵	۱۰۰٪	۲	۱	---	حمایت از کنش‌های مدنی در جهت بهبود وضعیت زنان
۱۳۳	۱۴	۶	۱۰۰٪	۲	۱	---	حمایت از فعالین حوزه‌ی زنان
۵۰-٪	۲	۴	۱۵۰	۵	۲	توجه گزاره‌های زنان به شیوه‌ی اسلامی	تبیین قواعد اسلامی زنانه
	۷۱۲	۱۹۰		۹۷	۳۰	---	جمع کل

بدین ترتیب مشخص است که در گروه زنان پر تکرار ترین دال قبل و بعد از بازه‌ی یک ماه ۲۵ شهریور محور قوانین و مقررات سیاسی و قانونی زنان می‌باشد و اگر بخواهیم با توجه به این دو بازه‌ی زمانی بررسی کنیم توئیتهای همین محور دارای بیشترین رشد بوده اند. در گروه مردان اپوزیسیون داخلی نیز قبل و بعد از ۲۵ شهریور بیشترین فراوانی مربوط به توئیتهای با محوریت

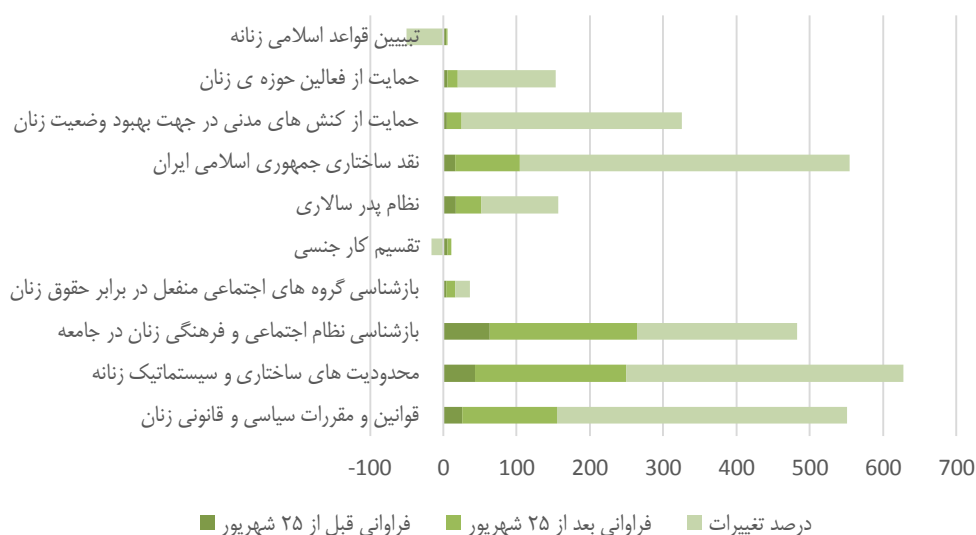
محدودیت‌های ساختاری و سیستماتیک زنانه بوده است در حالی که بیشترین درصد تغییرات و رشد مرتبط با تئیت‌ها با محوریت نقد ساختاری جمهوری اسلامی بوده است.

نمودارهای زیر به تفکیک اکانت‌های مرد و زن به خوبی تغییرات در دال‌های مذکور را در بازه‌ی زمانی مورد نظر به تفکیک اکانت‌های مرد و زن نمایش می‌دهند.



نمودار شماره (۹): توزیع فراوانی دال‌های محوری بر حسب بازه‌ی زمانی در جریان زنان اپوزیسیون داخلی

با توجه به نمودار بالای محور نقد قوانین و مقررات سیاسی و قانونی زنان دارای بیشترین نسبت تغییرات است در رتبه‌های بعدی نیز محدودیت‌های ساختاری و سیستماتیک علیه زنان و باز شناسی نظام اجتماعی و فرهنگی زنان در جامعه قرار دارد.



نمودار شماره (۱۰): توزیع فراوانی دال‌های محوری بر حسب بازه‌ی زمانی در جریان مردان اپوزیسیون داخلی

با توجه به نمودار بالای محور نقد ساختاری جمهوری اسلامی دارای بیشترین نسبت تغییرات است. در رتبه‌های بعدی نیز نقد قوانین و مقررات قانونی سیاسی زنان و محدودیت‌های ساختاری و سیستماتیک زنان قرار دارد.

یافته‌های تحلیلی

با توجه به مسأله‌ی محوری این پژوهش که بررسی و شناسایی دال‌های محوری زنانه به کار رفته از سمت جریان‌های اپوزیسیون داخلی و خارجی در بازه‌ی زمانی دو ماهه (۲۵ مرداد ماه تا ۲۵ مهر ماه) می‌باشد میتوان یافته‌های حاصله را اینگونه تحلیل کرد.

با مشاهده‌ی داده‌های به دست آمده از شبکه ریتوئیت‌ها در بازه‌ی زمانی مورد نظر پژوهش و با بررسی سابقه‌ی اکانت‌های موجود در نمونه‌ی پژوهش و تحلیل محتوای داده‌های بدست آمده تحلیل اولیه شبکه ریتوئیت‌ها نشان می‌دهد که کاربران جریان اپوزیسیون خارجی با سهم ۵۳٫۸۲ درصد و کاربران جریان اپوزیسیون داخلی با سهم ۴۴٫۱۵ درصد از کل شبکه‌ی ریتوئیت را تشکیل می‌دهند این نزدیکی سهم بودن کاربران این دو جریان بیانگر اتفاق نظر و وحدت نظر یکسان به جهت فعال شدن جریان اپوزیسیون را نشان می‌دهد. به عبارتی این امر بیانگر این است که اتفاقات رخ داده در حول تاریخ شهریور ماه ۱۴۰۱ به یک اندازه زمینه واکنش اپوزیسیون داخلی و خارجی را فراهم کرده است.

بعد از دستیابی به اکانت‌های مهم در جریان شبکه‌ی ری توئیت این دو جریان و بررسی دال‌های زنانه این اکانت‌ها می‌توان گفت که جریان اپوزیسیون خارجی با الهام از دال‌های گفتمان فمینیستی و جریان اپوزیسیون داخلی با الهام از دال‌های گفتمان اصلاح طلبی در بازه‌ی زمانی قبل از ۲۵ شهریور ماه توئیت‌ها زنانه خود را سامان داده‌اند و در بازه‌ی زمانی بعد از آن نیز با الهام از این نوع گفتمان‌ها به اتفاقات رخ داده واکنش نشان داده‌اند. گرچه باید دانست که نحوه‌ی تقسیم بندی این امر در بین اکانت‌های گوناگون یکسان نیست و فراوانی دال‌های مذکور در جریان‌های فوق الذکر با هم متفاوت است.

با توجه به کل توئیت‌های زده شده هر گروه زنان اپوزیسیون خارجی با سهم ۱۸٫۳۷ درصد دارای سهم بیشتری از توئیت‌ها با محتوای زنانه می‌باشند ۱۸٫۳۷ و زنان اپوزیسیون داخلی نیز با ۱۲٫۸۲ درصد در رده‌ی دوم قرار می‌گیرند. این نشان دهنده‌ی این می‌باشد که گروه زنان در جریان اپوزیسیون خارجی و داخلی هنوز هم قدرتمندترین مطالبه‌گران حقوق زنان هستند.

در ارتباط با نحوه‌ی توزیع و رشد محورهای زنانه در قبل و بعد از ۲۵ شهریور نکته‌ی قابل توجه بیشتر شدن توجه اکانت‌های مردان اپوزیسیون خارجی و زنان اپوزیسیون داخلی به این امر است به گونه‌ای که دال‌های زنانه از سمت گروه اول با رشد حدود ۶۰۰ درصد و در زنان اپوزیسیون داخلی با رشد حدود ۴۶۰ درصد روبه‌رو بوده است. خالی بودن جایگاه اکانت‌های منصوب به زنان جریان اپوزیسیون خارجی در این بین نه به معنای بی توجهی بلکه با توجه به کثرت توئیت‌های زنانه به دلیل این امر است که این اکانت‌ها همواره به مسائل و مطالبات زنان توجه ویژه‌ای نشان داده و به همین جهت وقایع شهریور ۱۴۰۱ منجر به رشد دال‌های زنانه در این اکانت‌ها نشده است.

نکته‌ی مهم و قابل بررسی در این بین نزدیکی دال‌های مورد استفاده از جانب این دو جریان بعد از وقایع ۲۵ شهریور است دو مورد از دال‌های جریان فمینیستی هرچند با فراوانی کم از جانب جریان اصلاح طلب نیز استفاده شده است و علاوه بر آن دال‌های مشترک پیش بینی نشده در بخش چارچوب مفهومی نیز از جانب هر دو جریان مشترکاً استفاده شده است. به نحوی که دال محوری نقد ساختاری جمهوری اسلامی به عنوان یک دال پیش بینی نشده در بین جریان اپوزیسیون خارجی و گروه مردان جریان اپوزیسیون داخلی با رشد چشمگیری همراه شده است.

از جهت محتوایی بررسی نوع دال‌های رشد یافته نشان می‌دهد که در جریان اپوزیسیون خارجی نظر به نوعی دگرگینی ساختاری مطرح است نقد ساختاری جمهوری اسلامی حمایت از کنش‌های مدنی و انقلاب زنانه و حمایت از فعالین سیاسی که در جهت احقاق حقوق زنان فعالیت می‌کنند بیانگر این است که جریان اپوزیسیون خارجی به شکل ویژه‌ای به دنبال اتخاذ موضعی انقلابی است در حالی که اشتراک نقد قوانین سیاسی و قانونی زنان و نقد خشونت ساختاری و سیستماتیک در جریان اپوزیسیون داخلی نشانگر این امر است که جریان اپوزیسیون داخلی برای تغییر وضعیت موجود به دنبال اصلاح قوانین و قواعد می‌باشد.

بدین ترتیب گرچه میزان و نوع دال‌های مطرح شده از جانب جریان اپوزیسیون داخلی و خارجی چه به لحظ کمی و چه به لحظ محتوایی به هم نزدیک شده است اما گرایش انقلابی در بین اکانت‌های اپوزیسیون خارجی و اتخاذ موضع اصلاح طلبانه در بین اکانت‌های اپوزیسیون داخلی بعد از وقایع شهریور ماه ۱۴۰۱ هنوز هم نقطه‌ی پررنگ می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

با پیروزی انقلاب اسلامی و گفتمان اسلامی در سال ۱۳۵۷ نیروهای سیاسی خارج از این گفتمان، به شکل جریان اپوزیسیون ظاهر شدند. چرا که هر انقلابی، به دلیل فراگیری و گسترده‌گی تغییرات اجتماعی و سیاسی که در جامعه به وجود می‌آورد، موجب حذف برخی از طبقات اجتماعی از عرصه سیاست داخلی می‌گردد؛ بنابراین انقلابها در ذات خود حامل نیرویی به نام اپوزیسیون هستند. مورس دوره این نیروهای سیاسی را به دوشکل بازشناسی می‌کند نیروهای اول گروه‌هایی هستند که بادلند اما در درون دولت جای نمی‌گیرند و اصطلاحاً اپوزیسیون قانونی نامیده می‌شوند. این نیروها شاید علاوه بر سیاست‌مداران و مجریان با برخی سیاست‌ها هم مخالفت بورزند، اما مخالفتشان به اصول کلی و مبانی مشروعیت نظام بر نمی‌گردد و چهارچوب قانونی موجود را در حکم قاعده بازی می‌پذیرد. نیروی‌های دوم نیز گروهی هستند که معارض نظام بوده و در پی براندازی می‌باشند. این گروه نه تنها با مجریان سیاسی، بلکه با اصول کلی و مبانی مشروعیت نظام هم مخالفت دارد. این گروه، اپوزیسیون «بر دولت» خوانده می‌شود. (دورژه، ۱۳۵۶)

در جمهوری اسلامی ایران نیز بعد از انقلاب اسلامی، نیروهای سیاسی با عنوان اپوزیسیون قانونی و غیر قانونی شکل گرفتند که به عنوان غیر داخلی و غیر خارجی و با گسترش نظام معنایی خود در چارچوب گفتمان مدرنیته در پی مبارزه با گفتمان هژمون هستند. به گونه‌ای که می‌توان گفت بسیاری از رویدادهای اجتماعی ایران در سال‌های اخیر ناشی از نزاع بین این دو نوع گفتمان است و تمامی تحولات اجتماعی در حوزه‌های گوناگون از جمله حوزه‌ی زنان را می‌توان حاصل منازعات معنایی میان این گفتمان‌ها دانست.

داده‌های حاصل این پژوهش نیز به نوعی بیانگر این امر است که مسائل زنان به عنوان یکی از محوری‌ترین موضوعات مورد توجه همواره از سمت این جریانات هویت‌یابی شده است. گرچه می‌توان گفت جریان‌های اپوزیسیون داخلی کمتر از اپوزیسیون خارجی به مسائل زنان پرداخته‌اند. چرا که زنان در جمهوری اسلامی همواره به عنوان یکی از نمادهای اقتدار دینی و مذهبی تلقی می‌شده‌اند این امر سبب شده است که مطالبات و خواسته‌های زنان به نحوی با عقاید و ارزش‌های بنیادین نظام پیوندی ریشه دار برقرار کند. لذا جریان اپوزیسیون داخلی از آنجایی که به دنبال اصلاح طلبی و نه تغییرات گسترده در لایه‌های زیرین نظام فرهنگی سیاسی جمهوری اسلامی ایران است توجه به مطالبات زنان را از دستور کار خور خارج کرده است.

با این حال به وضوح می‌توان مشاهده کرد که بعد از ۲۵ شهریور ماه این موضع‌گیری دچار تغییر شده است و به عبارتی هر دوی این جریان‌ها به نظر در فضای توئیت‌ر به وحدت نظری نزدیک گشته‌اند. این امر را می‌توان به نوعی نقطه‌ی آغازین برای احتمال ائتلاف این دو طیف اپوزیسیون دانست تداوم این وضعیت دولت حاکم را با جدی‌ترین تهدید امنیتی یعنی انقلاب مواجه می‌کند چرا که معمولاً انقلابها نتیجه هم‌پیمانی طیف‌های مختلف اپوزیسیون است. (Tily, 1978: 156)

بنابراین لازم است گفتمان هژمون قبل از بحرانی شدن این وضعیت برای جلوگیری از محاق رفتن خود برای اصلاحات دال‌های محوری گفتمان خود در ارتباط با مساله زنان اقدام کند.

منابع:

- اخلاصی، ابراهیم و فاتحی، ابوالقاسم (۱۳۹۱). گفتمان‌های اجتماعی زنان در پارادایم سنت و نوگرایی؛ چهل تا هجده سال شهر شیراز. معرفت فرهنگی اجتماعی، ۳(۱۱)، ۱۰۱-۱۲۲.
- ادیب‌زاده، مجید (۱۳۸۷). زبان، گفتمان و سیاست خارجی. تهران: نشر اختران.
- آقاجری، سید هاشم (۱۳۸۰). دیالوگ سنت و مدرنیته. بازتاب اندیشه، ۱۷.
- بابایی، محمد و احمدی راد، پروانه (۱۳۹۸). تحلیل مضامین تئوریت‌های جریان‌های سیاسی. فصلنامه علوم خبری، ۳۰، ۱۰۱-۱۲۶.
- برقی، محمد (۱۳۸۳). سنت و مدرنیته در ایران. بازتاب اندیشه، ۵۶ و ۵۵.
- تاجیک، محمد رضا (۱۳۸۳). یادگفتمان و سیاست. تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- تاجیک، محمد رضا (۱۳۷۹). گفتمان و تحلیل گفتمانی. نشر فرهنگ گفتمان.
- جعفری هرندی، رضا؛ نصر، احمد رضا و ابراهیم، میرشاه جعفری (۱۳۸۷) «تحلیل محتوا روشی پرکار برد در مطالعات علوم اجتماعی»، حوزه و دانشگاه، سال چهاردهم، ۵۵، ۳۷۴۲.
- حسینی‌زاده، محمدعلی (۱۳۸۳). نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی. علوم سیاسی، ۲۸، ۲۱۲-۱۸۱.
- خرمی، قاسم (۱۳۷۷). توسعه نیافتگی فرهنگ سیاسی و ناکارآمدی احزاب سیاسی. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- دورژه، موریس (۱۳۵۶). احزاب سیاسی، ترجمه ابوالفضل قاضی. تهران: فرانکلین.
- زاهد، سعید و خواجه نوری، بیژن. (۱۳۸۴). جنبش زنان در ایران. شیراز: ملک سلیمان.
- شادی طلب، ژاله (۱۳۸۰). زنان ایران مطالبات و انتظارات. نامه علوم اجتماعی، ۹(۱۸)، ۶۲-۳۱.
- ضمیران، محمد (۱۳۷۸). میشل فوکو، دانش و قدرت. تهران: هرمس.
- طالبیان، حامد و طالبیان، سارا (۱۳۹۶). زنان و کنش‌گری در رسانه‌های اجتماعی (مطالعه موردی: صفحه فیس بوکی «آزادی یواشکی زنان»). زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۱۵(۲)، ۲۰۵-۲۲۲.
- علی‌اصغر، سلطانی (۱۳۸۳). تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش. علوم سیاسی، ۲۸، ۱۵۵-۱۵۳.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان. ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.
- قنبری، آیت (۱۳۷۹). ایران و موج اول مدرنیته. علوم سیاسی، ۱۲.
- کچوئیان، حسین (۱۳۸۷). تطورات گفتمان‌های هویتی ایران، ایرانی در کشاکش با تعدد و مابعد تعدد. تهران: نشر نی.
- کسرای، محمد سالار (۱۳۷۹)، چالش سنت و مدرنیته در ایران، تهران: نشر مرکز.
- کسرای، محمد سالار و طهماسبی، مریم (۱۳۹۳). گفتمان‌های زنان پس از انقلاب اسلامی (گفتمان اصلاح طلبی، گفتمان سنت‌گرایی فقهی). فصلنامه پژوهش سیاسی و بین‌المللی، ۶(۲۲)، ۱۸۷-۱۶۷.
- مقدمی، محمد تقی (۱۳۹۰). نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف و نقد آن. معرفت فرهنگی اجتماعی، ۲(۶)، ۱۲۴-۹۱.
- میلز، سارا (۱۳۸۲). گفتمان، ترجمه فتاح محمدی. تهران: نشر هزاره سوم.
- نش، کیت (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست و قدرت. ترجمه محمد تقی دلفروز. تهران: کویر.
- هوارث، دیوید (۱۳۷۷). نظریه گفتمان. ترجمه سید علی اصغر سلطانی. فصلنامه علوم سیاسی.
- Afary, Janet (2009). *Sexual Politics in Modern Iran*. Cambridge University.
- Batmanghelichi, Kristin. Soraya (2021). BEH TOU CHEH? (WHAT'S IT TO YOU?): FEMINIST CHALLENGES IN IRANIAN SOCIAL MEDIA. *Producing Inclusive Feminist Knowledge: Positionalities and Discourses in the Global South Advances in Gender Research, Volume 31*, 125-146.
- Beidollahkhani, A. (2022). Discourse Formation of Political Dissents via Twitter: Political Sociology of the Subversion Discourse in the Islamic Republic of Iran. *Sociological Research Online*, 0(0). <https://doi.org/10.1177/13607804221122462>
- Berleson, B. (1952). *Content Analysis in Communication Research*, Glencoe.

- Foucault, M. (1972). *The Archaeology of Knowledge*, Translated by Sheridan. London.
- Geramy, Farideh (1998). *Capitalist development and religious orthodoxy: the impact of Islamic ideology on the role of women*, New Brunswick, New Jersey.
- Faust, K. & Fitzhugh, S. (2012). *Social Network Analysis: An Introduction*, University of North Carolina.
- Kirsten Pepin, Alexis (2006). *An examination of the rights and roles of women in contemporary Islamic Iran*, Edmonton, Alberta.
- Laclau, E & Mouffe, C. (1985). *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*. London.
- Rainie, L & Wellman, B. (2012). *Networked: The New Social Operating System*. Cambridge.
- Rosengren, K. E. (1981) "Advances in Scandinavian content analysis: An introduction, *Advances in Content Analysis* BI, In K. E. Rosengren (F.d.), CA: Sage, Beverly Hills, p.9-19.
- Rostam Povey, Elaheh (2001). *Feminist contestations of institutional domains in Iran*. *Feminist Review*, The Realm of the Possible: Middle Eastern Women in Political and Social Spaces, 44-72.
- Tilly, Charles (Adison: Wesley, 1978), *From Mobilization to the Revolution*.
- Yanzhang. (2006) *Content analysis (qualitative, thematic) in*: <http://www.ils.unc.edu>.
- Zellig, Harris (1952). *Discourse Analysis*. In *Language*, 28: 1-30.
- Zhuravskaya, Ekaterina & Petrova, Maria & Enikolopov, Ruben (2020). *Annual Review of Economics Political Effects of the Internet and Social Media*. Paris School of Economics, Paris, France.

Structural analysis of the semantic system of women's demands in the discourse of the opposition of the Islamic Republic with focusing on the Twitter social media

Arash Beidollahkhani¹

Assistant professor of Political science Faculty of law and Political Science, Ferdowsi university of Mashhad, Mashhad, Iran (corresponding author)

Mahboobe Farkhari^{2*}

M A student of political science at Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Abstract: Social media, especially Twitter, is considered one of the important platforms for the expansion of the semantic system and IR's opposition activities due to its political importance. The research aims to identify the discourse context of internal and external opposition currents and the central signifiers used by them regarding femininity. In addition, the research seeks to identify how much these currents have paid attention to women's demands on Twitter from August to October 2022 and from what kind of discourse they have analyzed these issues. The results show that the internal opposition analyzed women's issues mostly based on the reformist sub-discourse and the foreign opposition analyzed and pursuing femininity issues mostly based on the feminist sub-discourse. This indicates that the internal opposition has less attention to women's issues because the internal opposition's tweets with femininity topics before September 16th are less frequent than tweets of the foreign opposition and somehow the follow-up of women's demands in internal opposition discourse is not a central concern. But after the death of Mehsa Amini and the beginning of street protests, the number of tweets on femininity topics from internal opposition has increased and their discourse signifiers have become closer to the foreign opposition currents.

Keywords: Opposition, Women, 2022 protests, Twitter, Discourse.

¹ Email: Beidollahkhani@um.ac.ir (Corresponding Author)

² Email: mahboobefarkhari@gmail.com